



ایران در آستانه
انتخابات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شورای اجتماعی کشور

جستارهایی در
ایران در آستانه انتخابات

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ۱۳۹۴

جستارهایی در

ایران در آستانه انتخابات

به سفارش شورای اجتماعی کشور

رصد فرهنگ و اجتماع - ۳

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ماه ۱۳۹۴

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات / [تهیه و گردآوری] پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات،
رصد فرهنگ و اجتماع؛ [برای] شورای اجتماعی کشور. - تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات،
۱۳۹۴.

۳۶۶ ص. جدول، نمودار. - (رصد فرهنگ و اجتماع؛ ۳)

موضوع: ۱. ایران. مجلس شورای اسلامی - انتخابات - مقاله‌ها و خطابه‌ها ۲. ایران. مجلس شورای
اسلامی - انتخابات - جنبه‌های جامعه‌شناختی ۳. انتخابات - ایران
شناسه افزوده: الف. ایران. وزارت کشور. معاونت اجتماعی. شورای اجتماعی کشور ب. فروست

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج. ۵ الف / ۱۷۱۶ DSR

رده بندی دیویی: ۰۸۴۴/۹۵۵

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات

شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

نوبت چاپ: آبان ۱۳۹۴

فهرست مطالب

مقدمه / سیدمرتضی میرباقری _____ ۷

■ ■ ■ انتخابات و ملاحظات اجتماعی فرهنگی

- ۱۱ _____ پیچیدگی جامعه و کنش جمعی مردم در ایران / محمد آقاسی
- ۲۱ _____ نگاهی به رابطه روحانیت و مجلس، از مشروطه تا امروز؛ استغنائی سازمان روحانیت از مجلس / حسن اجرایی
- ۳۳ _____ انتخابات پارلمانی، هویت جمعی و امر سیاسی / ریحانه اصلان زاده
- ۴۱ _____ سازمان‌های رفاهی، کنترل سیاسی، شهروندی / رضا امیدی
- ۴۷ _____ تأملی بر مشارکت طبقه متوسط در انتخابات پیش‌رو / یاسر باقری
- ۵۷ _____ پیامدهای نگاه اصلی به جای نگاه آلی به انتخابات در ایران / محمدرضا جوادی یگانه
- ۷۱ _____ اقوام و انتخابات / ابراهیم حاجیانی
- ۸۳ _____ بررسی هویت مورد نظر گفتمان جمهوری اسلامی ایران در قبال زنان / سید محمدمهدی خوبی
- ۹۷ _____ وندالیسم انتخاباتی؛ تخریب اموال عمومی یا تخریب افکار عمومی؟ / محمدمهدی رحمتی
- ۱۰۳ _____ اقتصاد انتخابات مجلس / علی سرزعی
- ۱۱۱ _____ لنینی شدن فرایند / علیرضا شجاعی زند
- ۱۲۳ _____ امتناع وعده‌های انتخاباتی در سطح ملی / عباس عبدی
- ۱۳۱ _____ مجلس شورای اسلامی و سرمایه اجتماعی / غلامرضا غفاری
- ۱۴۱ _____ تحلیل پیامدهای اجتماعی و فرهنگی انتخابات؛ از منظر منازعات کلامی / محمد جواد غلامرضا کاشی
- ۱۵۱ _____ الزامات مجلس دهم برای بقا و ارتقای ایران / محمد فاضلی
- ۱۶۳ _____ گذار به مردم‌سالاری مستقیم / ناصر فکوهی
- ۱۷۱ _____ دروغ‌گویی در انتخابات؛ اشکال، سطوح، و پیامدها / حسن محدثی گیلوایی
- ۱۹۵ _____ احزاب شه‌ساخته دوره پهلوی و انتخابات / رضا مختاری اصفهانی
- ۲۰۳ _____ انتخابات فرصتی برای انشقاق یا ائتلاف / احمد میدری
- ۲۱۵ _____ ملاحظات درباره انتخابات در ایران / جواد میری
- ۲۲۳ _____ انتخابات و فرهنگ شهرت؛ مشاهیر ورزشی و هنری (سلبریتی‌ها) و انتخابات در ایران / راضیه یاسینی

■ ■ ■ انتخابات و مطالبات

- ۲۳۹ _____ انتخابات و مطالبات زنان / شیرین احمدنیا
- ۲۴۹ _____ انتخابات و مطالبات رأی اولی‌ها / سمیه توحیدلو
- ۲۶۳ _____ انتخابات، آموزش عمومی و مسئله آب / جبار رحمانی

- ۲۷۳ _____ مطالبات در حوزه گاز طبیعی و آینده ایران / مجید عباسی
- ۲۸۱ _____ انتخابات و اقلیت‌های مغفول: صدا و ژئوپلیتیک قومی-دینی / مهرداد عربستانی
- ۲۹۳ _____ رصد اقتصاد هنر ایران در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی / محمدرضا مریدی

■ ■ ■ انتخابات و رسانه‌ها

- ۳۰۱ _____ رویکرد شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای به انتخابات ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۰۹ _____ استفاده از ظرفیت پیام‌رسان‌های موبایلی در انتخابات / شادی ضابط
- ۳۱۹ _____ آن‌لاین بدون ایمیل / محمد معماریان
- ۳۳۱ _____ الگوی تبلیغات رسمی انتخابات در ایران با تأکید بر صداوسیما / نوح منوری
- ۳۳۹ _____ ناآرامی در نهاد ناپایدار شبکه همراه / فرشاد مهدی‌پور
- ۳۴۷ _____ رفتار انتخاباتی با نگاهی به مصرف رسانه‌ای / عباس نعمتی
- ۳۵۷ _____ اهمیت ویدئوهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی مجازی در آستانه انتخابات مجلس دهم / حسین یزدان‌شناس

■ ■ ■ اقتصاد انتخابات مجلس

علی سرزعی

دکترای اقتصاد و مشاور اقتصادی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

۱. مقدمه

امروزه، وجود نظام پارلمانی یا همان مشروطیت یکی از ارکان مهم دموکراسی قلمداد می‌شود. نگاه غالب به این نهاد نگاهی سیاسی است، اما کارکرد اقتصادی مجالس (پارلمان‌ها) از اهمیت بسزایی برخوردار است و باید در تحلیل‌ها مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل، این نوشتار نخست به فلسفه اقتصادی وجود پارلمان و سپس به کارکرد مجالس نمایندگی در ایران اختصاص می‌یابد. مجالس (پارلمان‌ها) از طریق انتخابات ادواری شکل می‌گیرند. حدود یک دهه است که ادبیات ادوار سیاسی (Political Business Cycle) و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری مورد توجه محققان و اقتصاددانان قرار گرفته است (به عنوان نمونه، ن. ک: آلسینا، روبینی و کوهن، ۱۹۹۷). در این نوشته تلاش می‌شود مواردی از تأثیرات ادوار سیاسی ناشی از انتخابات دوره‌ای مجلس بر سیاست‌گذاری نیز برشمرده شود.

۲. فلسفه وجودی پارلمان‌ها

قضیه اول رفاه نشان می‌دهد که تخصیص منابع در اقتصاد از طریق مبادلات داوطلبانه افراد به تخصیصی کارا منتهی می‌شود. کارابودن این تخصیص به این معناست که مازاد عرضه و مازاد تقاضا باقی نخواهد ماند و مطلوبیت مصرف‌کنندگان حداکثر شده و حداکثر تولید ایجاد می‌شود. بهینه‌بودن این تخصیص مستلزم آن است که نمی‌توان وضع کسی را بهبود بخشید بدون اینکه وضع دیگری را بدتر نکرد. از این رو، در اقتصاد خرد به صورت ریاضی اثبات می‌شود که مکانیزم بازار مکانیزمی است که منابع را به شکلی کارا تخصیص می‌دهد. کارابودن تخصیص منابع از طریق مکانیزم بازار لزوماً این نتیجه را به همراه ندارد که تخصیص ایجادشده از حیث عدالت و برابری (Equity) نیز مطلوب باشد. به تعبیر دقیق‌تر، نتیجه حاصل از مبادلات داوطلبانه در بازار می‌تواند اقسام گوناگونی از تخصیص‌های بهینه باشد. اینکه کدام تخصیص بهینه حاصل می‌شود، نتیجه آن خواهد بود که مواهب اولیه افراد در هنگام ورود به بازار برای انجام مبادلات داوطلبانه چقدر باشد. جامعه‌ای که تخصیص برابری جویانه‌تری را طلب می‌کند، باید از طریق مالیات نسبت به بازتوزیع مواهب اولیه اقدام کند.^۱ به بیان دیگر، نتایج تخصیص بهینه بازار یکتا نیست و چندگانه است. اینکه کدام‌یک از این تخصیص‌ها مطلوب‌تر هستند، به قضاوت ارزشی نسبت به عدالت برمی‌گردد. یکی از نقش‌های اساسی مجالس به همین امر برمی‌گردد که انتخاب اجتماعی را از تخصیص بهینه مطلوب از میان کل تخصیص‌های بهینه مشخص می‌کند. در واقع، مکانیزم مجلس مکانیزمی است که ترجیحات جامعه را نسبت به میزان برابری و یا نابرابری مقبول نشان می‌دهد.

کارکرد دوم مجلس (پارلمان)، انتخاب اجتماعی نسبت به نحوه هزینه‌کرد منابع عمومی است. همه خانوارها دو گونه مصرف دارند: مصرف کالاهای خصوصی (نظیر کتاب، غذا، لباس و غیره) و مصرف کالاهای عمومی (نظیر بهداشت عمومی، امنیت، زیبایی شهری و غیره). مصرف کالاهای خصوصی از طریق درآمد شخصی افراد تأمین می‌شود. عرضه کالاهای عمومی معمولاً از طریق دولت صورت می‌گیرد و منابع آن از طریق مالیات تأمین می‌گردد. لذا، سؤالی که هر جامعه با آن روبه‌رو است آن است که خانوارها چقدر از درآمد شخصی خود را به صورت مالیات صرف‌نظر کنند تا از کالاهای عمومی برخوردار شوند. می‌توان نشان داد که مصرف کم یا خیلی زیاد کالاهای عمومی مطلوب افراد نیست و عرضه مقدار بهینه‌ای از کالاهای عمومی می‌تواند رفاه

خانوارها را حداکثر سازد. مجالس نمایندگی (پارلمان‌ها) عرصه‌ای هستند که در آن نرخ مالیات و به تبع آن مقدار عرضه کالاهای عمومی و تعیین سهم هرکدام از اقسام کالاهای عمومی مشخص می‌شود و در واقع مجالس ترجیحات جامعه را نسبت به این امور منعکس می‌کنند. اگر به تاریخچه شکل‌گیری منشور بزرگ (ماگناچارتا) نگاه کنیم، مشاهده می‌کنیم که انگیزه اصلی ایجاد پارلمان نه صرفاً آزادی خواهی، بلکه ایجاد یک معادله میان پرداخت مالیات و مشارکت در سیاست بوده است. تا پیش از مشروطه شدن قدرت، پادشاه به زور بخشی از منابع مالی اشراف را به عنوان مالیات گرفته و صرف هزینه‌های شخصی و هزینه‌های جنگی و کشورگشایی خود می‌کرد. به تدریج، اشراف به این صرافت افتادند که اگر قرار است بخشی از تأمین مالی دولت توسط آنها صورت گیرد، باید در بخشی از قدرت نیز شریک شوند. این قدرت برای این مورد استفاده قرار می‌گیرد تا مشخص شود منابع مالیات‌دهندگان در چه مسیری هزینه می‌شود. به شرحی که در بخش بعد آمده، در ایران، این رابطه متقابل بین مردم و دولت به دلیل وجود درآمد نفت ایجاد نشد و مجلس در ایران کارکردی متفاوت با دیگر پارلمان‌ها پیدا کرد.

۳. کارکرد مجالس نمایندگی در ایران

تا سال‌های اخیر، درآمدهای کشور از محل نفت بیش از ۷۰ درصد بودجه دولت را تشکیل می‌داد. در نتیجه، کارکرد اقتصادی مجلس بیش از آنکه ناظر بر چگونگی هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی در جهت عرضه کالاهای عمومی مناسب باشد، ناظر بر چگونگی بازتوزیع منابع دولتی حاصل از صادرات نفت بوده است. فرض اساسی در تأمین کالاهای عمومی خصوصاً زیرساخت‌ها این است که موجب رشد اقتصادی و بزرگ‌شدن یک اقتصاد کشور می‌شود. اما، فعالیت اصلی و دغدغه همیشگی نمایندگان مجلس نحوه توزیع یک بودجه میان بخش‌های مختلف و مناطق گوناگون است. به شرحی که خواهد آمد، این دغدغه بازتوزیع یک بودجه می‌تواند دغدغه بزرگ‌شدن یک اقتصاد را تحت الشعاع قرار دهد و از قضا تحت الشعاع قرار داده است. به همین دلیل فرایند بودجه‌ریزی و تخصیص منابع، فرایندی صرفاً فنی و محاسباتی نیست و در هنگام تدوین پیش‌نویس بودجه، اصلاح و تغییر لایحه بودجه در کمیسیون‌های تخصصی و کمیسیون تلفیق و نهایتاً صحن علنی، همواره فشارها و گرایش‌های سیاسی برای اثرگذاری در بودجه مشاهده می‌شود.

پرسش مهمی که در این مرحله مطرح می‌شود این است که آیا مداخلات مجلس در

فرایند بودجه و تخصیص منابع صرفاً کارکرد توزیعی و برابری جویانه دارد یا می‌تواند به لحاظ کارایی نیز مؤثر باشد. به عبارت دیگر، آیا فعالیت نمایندگان در هنگام تصمیم‌گیری بر سر تخصیص بودجه صرفاً در جهت عدالت و به زیان کارایی است یا این امکان نیز وجود دارد که هم‌زمان کارایی و عدالت بهبود یابد. برای روشن شدن موضوع، مسئله را با یک مثال تشریح می‌کنم. فرض کنید که بودجه‌ای برای کشیدن یک خط آهن به طول ۳۰۰ کیلومتر وجود دارد. اگر این خط آهن در مسیر استانی که به لحاظ وسایل حمل‌ونقل محروم‌تر از دیگر استان‌هاست کشیده شود، عدالت از حیث دسترسی به وسایل حمل‌ونقل بهبود می‌یابد، اما این امر ممکن است به این قیمت تمام شود که خط آهن سراسری نتواند خود را به یک بندر تجاری (مبادی صادرات و واردات) متصل کند. نتیجه این عدم دسترسی به بندر، کاهش امکان صادرات و واردات و بالارفتن هزینه‌های جابه‌جایی و نهایتاً کاهش درآمد ملی خواهد بود. در این حالت بهبود عدالت با کاهش کارایی یا حداقل عدم افزایش کارایی همراه بوده است. اما، اگر منطقه محروم در مسیر پیوستن خط آهن به بندر قرار داشته باشد، کشیدن خط آهن هم عدالت را بهبود خواهد داد و هم کارایی را در سطح کل اقتصاد بالا خواهد برد.

این پرسش را که آیا وجود مجلس کارایی تخصیصی را افزایش می‌دهد یا نه، می‌توان به این صورت نیز مطرح کرد که آیا تخصیص منابع بدون وجود مجلس (نظیر کشورهای دیکتاتوری) کارا تر است یا با وجود مجلس؟ پاسخ برخلاف آنچه انتظار می‌رود خیلی سراسر است و مستقیم نیست. فرض اساسی این است که نمایندگان مردم درک بهتری از اطلاعات خرد و پراکنده موجود در هر استان دارند و آنها بهتر از برنامه‌ریز مرکزی می‌توانند کارایی تخصیص منابع را در استان‌ها تضمین کنند. این دیدگاه در صورتی درست است که نخست نمایندگان را انسان‌هایی فرض کرد که شناخت و تمایل بهتری برای تخصیص درست منابع در داخل هر استان دارند و دوم، در بودجه‌ریزی صرفاً منافع استان خود را لحاظ نمی‌کنند. هر دوی این فرض‌ها در عمل نادرست است: نخست، در بسیاری از مواقع، نمایندگان منافع شخصی، قومی و محلی را بر مصالح استانی مقدم می‌شمردند و دوم اینکه رقابت جدی میان استان‌ها در جذب منابع وجود دارد؛ به عنوان مثال، در حال حاضر، نمایندگان کشور می‌دانند که تخصیص منابع به بخش محیط زیست اولویت بیشتری نسبت به بخش کشاورزی دارد، ولی از آنجا که منافع بهبود محیط زیست غیرنقدی نصیب کل جامعه

می‌شود، ولی منافع بخش کشاورزی نقداً نصیب کشاورزانی می‌گردد که می‌توانند انتخاب مجدد نمایندگان آن حوزه را تضمین کنند، کماکان تخصیص منابع به بخش کشاورزی اولویت بیشتری نسبت به بخش محیط زیست پیدا می‌کند.

نکتهٔ بدتر این است که ممکن است مداخلات نمایندگان به بهبود عدالت نیز منتهی نگردد. هر جا که نماینده فعال‌تر و زرنگ‌تر و دارای ارتباطات بهتری باشد، می‌تواند سهم بیشتری از منابع عمومی را نصیب حوزهٔ نمایندگی خود کند. اگر یک همبستگی میان درآمد سرانهٔ یک استان و کیفیت نمایندگان آنجا برقرار باشد، یعنی مناطق عقب‌افتاده‌تر نمایندگان ضعیف‌تر و مناطق مرفه‌تر نمایندگان پرنفوذتری داشته باشند، آنگاه مداخلات نمایندگان ممکن است عدالت را نیز تضعیف کند. شایان ذکر است که این مسئله منحصر به ایران نیست. چندی قبل جان مورثا (John Murtha)، نمایندهٔ باسابقهٔ پنسیلوانیای امریکا، درگذشت. در رثای وی، افراد لیستی از اقدامات و خدماتی که وی برای حوزهٔ نمایندگی خود انجام داده ردیف کردند. در همین اثنا، دان بودروکس، استاد اقتصاد دانشگاه جرج میسون، مقاله‌ای نوشت و در آن این مثال را مطرح کرد: فرض کنید که اگر کسی در کشور به راه بیفتد و وارد خانهٔ مردم شود و پول آنها را بردارد و بعد این پول را میان مردم منطقهٔ خود توزیع کند، یک قهرمان قلمداد نخواهد شد، بلکه او کماکان یک دزد است. این پاسخ سروصدای زیادی در امریکا ایجاد کرد و مباحث بسیاری را بر سر ماهیت فعالیت نمایندگی برانگیخت. واقعیت آن است که اگر فعالیت نمایندگی ناظر بر افزایش کارایی نباشد و صرفاً دغدغهٔ بازتوزیع داشته باشد، می‌تواند زیانبار نیز باشد.

۴. تبعات اقتصادی انتخاب دوره‌ای مجلس

برگزاری دوره‌ای انتخابات نیز دارای منافع و هزینه‌هایی است که در ادبیات ادوار سیاسی مورد مطالعه قرار گرفته است. آلبرتو آلسینا از نخستین محققانی بود که به تبعات وجود انتخابات دوره‌ای (اعم از ریاست‌جمهوری و مجلس) بر انگیزهٔ سیاست‌گذاران توجه کرد و نشان داد که در دموکراسی‌ها چگونه تلاش برای تأثیرگذاری بر نتیجهٔ انتخابات می‌تواند موجب اتخاذ سیاست‌های غیربهبینه گردد.

از یکسو برگزاری ادواری انتخابات منافع مهم و قابل‌توجهی به دنبال دارد؛ به عنوان مثال، ثبات بیش از حد ترکیب مجلس می‌تواند شبکه‌ای از روابط را میان نمایندگان و وزارتخانه‌ها ایجاد کند که به تخصیص بهینهٔ منابع آسیب رساند. تغییر ادواری ترکیب

مجلس مانع از آن می‌شود تا این شبکه‌های لابیگری و نفوذ نهادینه گردد. اما از سوی دیگر، دغدغه انتخاب مجدد می‌تواند انگیزه‌های نمایندگان را برای تقدم منافع ملی بر منافع حوزه نمایندگی مخدوش کند. همچنین، تغییر ترکیب نمایندگان پس از هر انتخابات موجب می‌شود تا گروه جدیدی به مجلس وارد شوند. با خروج بخشی از نمایندگان دوره قبل، آموزش‌ها و اطلاعات و سرمایه‌گذاری صورت گرفته برای آموزش ملاحظات حکومت‌داری به آنها هدر رفته و فرایند یادگیری سیاست‌گذاری و ملاحظات مربوطه برای نمایندگان جدید شروع شود. به همین دلیل به نظر می‌رسد کیفیت عملکرد مجلس در سال اول فعالیت پایین‌تر باشد. مضاف بر آن، با توجه به اینکه برخی نمایندگان مجلس در برخی شوراهای تصمیم‌گیری حضور دارند، تغییر ترکیب مجلس می‌تواند تأثیرات اختلال‌زا بر فعالیت شوراهای مذکور داشته باشد. در سال آخر نیز که غیبت‌های نمایندگان افزایش یافته و فعالیت آنها برای انتخاب مجدد از سر گرفته می‌شود. همچنین، بخشی از زمان اکثر مجالس ایران در سال آخر فعالیت، صرف اصلاح قانون انتخابات می‌شود و معمولاً در اصلاح قانون انتخابات تلاش می‌گردد تا تدابیری به نفع نمایندگان موجود و به زیان رقبا احتمالی وضع شود. در نتیجه، فعالیت مؤثر مجلس به دو سال میانی محدود می‌شود.

هرچه دوره نمایندگی کوتاه‌تر باشد، نمایندگان افق زمانی کوتاه‌تری را پیش روی خود خواهند دید و تمایل دارند تا پروژه‌های زودبازده را به پروژه‌های پربازده مقدم شمارند تا ثمراتی برای انتخاب مجدد آنها داشته باشد. این انگیزه در سال‌های پایانی دوره نمایندگی و خصوصاً در کسانی که چشم‌انداز انتخاب مجدد ندارند بیشتر است. جدی‌شدن دغدغه انتخاب یا عدم انتخاب مجدد می‌تواند موجب شود فشار نمایندگان بر وزرا و مسئولان اجرایی افزایش یابد و حجم سؤالات و استیضاح به عنوان آخرین فرصت برای امتیازگرفتن از مسئولان اجرایی زیاد گردد که گاه به اختلال فعالیت دستگاه‌های اجرایی منجر می‌شود.

رقابت‌های انتخاباتی با توجه به اینکه آرایش سیاسی را در کشور تغییر می‌دهد، برای مدتی سیاست را در اولویت اول قرار داده و اقتصاد به اولویت دوم تقلیل می‌یابد. در بسیاری از مواقع، تصمیمات سیاست‌گذاری به روشن شدن نتیجه انتخابات موکول می‌گردد. اگرچه برگزاری انتخابات نشاط سیاسی را در جامعه به شکل فزاینده زیاد می‌کند، به همان نسبت نیز ریسک سیاسی در اقتصاد بالا رفته و سرمایه‌گذاران را به تعویق تصمیم سرمایه‌گذاری رهنمون می‌شود. جدی‌شدن رقابت‌های انتخاباتی و

سیاسی شدن فضای جامعه موجب می‌شود تا برخورد سیاسی با لوایح و تصمیمات اقتصادی بیشتر شده و از هر حرکت و اقدامی تعبیری سیاسی برداشت شود و همین امر موجب عقب‌انداختن سیاست‌های اصلاح ساختار گردد.

۵. جمع‌بندی

مجالس نمایندگی در تبلور انتخاب اجتماعی پیرامون برابری و همچنین میزان عرضه کالاهای عمومی نقش مهمی ایفا می‌کنند. تا زمانی که درآمد نفت عامل تأثیرگذار در اقتصاد ایران است، کارکرد مجالس نمایندگی بیشتر معطوف به بازتوزیع درآمد نفت خواهد بود و وظیفه دوم که همان تعیین میزان و مصادیق کالاهای عمومی است مغفول می‌ماند. با توجه به چشم‌انداز پیش رو مبنی بر پایین‌ماندن قیمت نفت در یک دهه آتی، مجلس نمایندگی در ایران به ناگزیر به فلسفه وجودی خود که حساب‌کشی از دولت در ازای دریافت مالیات است نزدیک خواهد شد و نظارت بر چگونگی عرضه کالاهای عمومی بیش از قبل مورد توجه قرار خواهد گرفت.

برگزاری دوره‌ای انتخابات مجلس اگرچه مزایایی چون تغییر ترکیب نمایندگان و ایجاد نشاط سیاسی به همراه دارد، با هزینه‌های زیادی همراه است. هزینه‌های برگزاری انتخابات و هزینه‌های تبلیغات انتخاباتی بخش کوچکی از این هزینه‌ها به شمار می‌روند. اُفت عملکرد در سال اول و آخر هر دوره و ایجاد انگیزه برای اجرای پروژه‌های نمایشی و زودبازده به دلیل افق کوتاه‌مدت دوره نمایندگی از جمله هزینه‌های بزرگ‌تر و جدی‌تری است که باید مورد توجه قرار گیرند. آنچه می‌تواند همه هزینه‌های فوق را پذیرفتنی سازد، ایجاد ترکیبی از نمایندگان است که رسالت نمایندگی خود را به‌خوبی انجام دهند. احزاب و نظام سیاسی نقش مهمی در این ایجاد ترکیب مناسب از نمایندگان ایفا می‌کند. اگر مکانیسم‌های نامزدی و انتخاب به نحوی نباشد که افراد کارا و توانمند وارد و انتخاب شوند، شاید هزینه‌های وجود مجلس و تکرار دوره‌ای انتخابات مجلس بیش از منافع آن باشد و مجالس تأثیر منفی بر توسعه برجا گذارند. شواهد نیز نشان می‌دهند که دموکراسی‌های نصفه و نیمه به لحاظ عملکرد اقتصادی، گاه ضعیف‌تر از دیکتاتوری‌های توسعه‌گرا بوده‌اند (نظیر تجربه امریکای لاتین در برابر آسیای جنوب شرقی). این به آن معنا نیست که دیکتاتوری نسخه قابل تجویز باشد، زیرا تاریخ مؤید آن است که بسیاری از دیکتاتوری‌ها نیز به توسعه اقتصادی منجر نشده‌اند (نظیر دیکتاتوری‌های آفریقا و خاورمیانه). تقویت نهادهای دموکراتیک موجب می‌شود تا نهاد پارلمان بهتر بتواند

نقش اصلی خود را در اقتصاد ایفا کند و از آفات یادشده بکاهد.

پی‌نوشت

۱. در اقتصاد خرد اثبات می‌شود که اگر مالیات‌گیری به شکل یکجا (Lump Sum) باشد، یعنی یک مبلغ مشخص از همه مستقل از میزان درآمد آنها دریافت شود، به کارایی لطمه‌ای وارد نمی‌شود و تأثیرات ضدانگیزی نخواهد داشت.

منابع

Alesina, Alberto; Nouriel Roubini; and Gerald D Cohen (1997). *Political Cycles and the Macro Economy*, MIT Press.